

واکای و تحلیل شبکه مضامین انگیزش سرمایه انسانی مبتنی بر حکمت‌های نهج البلاغه: فرایند چرخه تحلیل

جعفر ترک زاده*

رضا عقیلی**، محمدجواد سلمانپور***

رحمت الله مرزوقی****، جعفر جهانی*****

چکیده

هدف از انجام این پژوهش واکای و تحلیل شبکه مضامین انگیزش سرمایه انسانی مبتنی بر حکمت‌های نهج البلاغه بود. در این پژوهش از روش مطالعه کیفی استفاده شد. جامعه آماری (قلمرو) پژوهش شامل تمامی حکمت‌های نهج البلاغه است که مضمون‌های انگیزشی موجود در آنها مورد کاوش قرار گرفت. در این پژوهش از روش فرایند چرخه-ای تحلیل استفاده شده است. یافته‌های حاصل از مرحله اول در قالب ۱۰۳ مضمون پایه و ۳۲ مضمون سازمان دهنده و نهایتاً ۴ مضمون انگیزشی نهایی که حاصل و برآیند چرخه تحلیل است در حکمت‌ها گردآوری شد و در نهایت در یک طبقه‌بندی و در چهار

* دانشیار بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، djt2891@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز (نویسنده مسئول)، rezaaghili48@yahoo.com

*** دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، msalman@rose.shirazu.ac.ir

**** استاد بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

***** دانشیار بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، jahani@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

مضمون نهایی تشویق و تألیب، ایمان الهی، تزکیه و تهذیب، خوف و رجا مشخص و سازماندهی گردید. نتایج این پژوهش گویای آن است که به‌واسطه این چارچوب و شبکه مضامین احصائی از حکمت‌های نهج‌البلاغه، می‌توان امکان توسعه چارچوب انگیزشی متناسب با تعالیم دینی و مذهبی با رویکردی اسلامی در کشور را فراهم نمود تا مسئولین و مدیران بتوانند با انگیزش مفهومی و دارای چارچوب کارآمد، سطح و کیفیت رفتار و عملکرد موثرتر سرمایه انسانی سازمان خود در جامعه اسلامی را بهبود بخشند و از این مسیر سازمان‌های خود را به سمت بهره‌وری و تعالی بیشتر در زمینه‌های عملکردی و فرهنگی متناسب با فرهنگ بومی و اسلامی سوق دهند.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، انگیزش، سرمایه انسانی، چرخه تحلیل.

۱. مقدمه

در طول نیم قرن گذشته اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی چنان دستخوش تغییر و دگرگونی بوده است که به زحمت می‌توان اندک شباهتی میان ساختار ارتباطات فردی و سازمان‌ها در زمان حال و گذشته یافت. صرف نظر از دیدگاه‌ها و مکاتب موجود در گستره‌ی دانش مدیریت، یکی از مهمترین اهداف مطرح شده برای مدیریت سازمان‌ها، افزایش بهره‌وری است. برای افزایش بهره‌وری در سازمان به عوامل متعددی نیاز است که مهمترین آن سرمایه انسانی است (Shepherd, McMullen & Ocasio, 2016: 629) سرمایه انسانی برای انجام وظایف، اساسی‌ترین عامل بهره‌وری است که توجه به آن‌ها در سازمان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Wen, Huang & Hou, 2019: 124; Chang, Wu & Weng, 2019: 317; Huang, Yang & Li, 2018: 230). امروزه سرمایه انسانی به واسطه نقش انکارناپذیری که در توسعه همه‌جانبه جامعه ایفا می‌کند، به عنوان با ارزش‌ترین و بزرگ‌ترین دارایی هر سازمان و کشوری محسوب می‌گردد (ترک زاده، محمدی، ساجدی و اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۳۷). با این تعبیر بدیهی است که برتری رقابتی و رسیدن به حداکثر کارایی و بهره‌وری نصیب کشورهایی خواهد بود که به نحو فزاینده‌ای به رشد و ارتقای مستمر سطح کیفی سرمایه انسانی خود به عنوان منظومه‌ای متشکل از ابعاد دانش، توانش و انگیزش پردازند (ترک‌زاده و زینعلی، ۱۳۹۱: ۱۰). در این راستا می‌توان اشاره نمود که انگیزش (motivation) از جمله موضوعات مهم در ارتباط با سرمایه انسانی بوده و در عین حال مفهومی پیچیده و پربعد در حوزه رفتار سازمانی به شمار می‌رود (ذوالریاستین و ایرانبان، ۱۳۹۸: ۲).

انگیزش در رشته‌های متعدد به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. تمایل به درک انگیزش شغلی، محققان و دست‌اندرکاران را بر آن داشته است تا نحوه شکل‌گیری انگیزش و اثرگذاری آن بر افراد، تیم‌ها و جوامع در رابطه با محیط‌های کاری را مورد بحث و بررسی قرار دهند (Manroop & Richardson, 2015: 8; Hayashi, 2007: 8; Ryan & Deci, 2000: 59).

انگیزش به‌عنوان عاملی تلقی می‌شود که شدت، جهت‌گیری و تداوم تلاش افراد در نیل به هدفی را مورد محاسبه قرار می‌دهد. به بیان دیگر، انگیزش یک حالت درونی است که موجب تولید انرژی، تعیین جهت و شدت در یک رفتار برای رسیدن به یک نیاز می‌شود (ذوالریاستین و ایرانبان، ۱۳۹۸: ۲). این مفهوم روان‌شناختی اغلب ریشه‌های درونی یا بیرونی دارد. در یک طبقه‌بندی کلی انگیزه‌ها در سه گروه (فیزیکی، روانی و اجتماعی) قرار می‌گیرد (همان، ص ۲). (George & Jones, ۲۰۱۲). انگیزش شغلی را نیروهای خود انگیخته‌ای می‌دانند که روندها و الگوهای رفتاری نیروی کار موجود در سازمان را با در نظر گرفتن سطوح تعهد و اشتیاق در جهت دستیابی موفق به اهدافی معین، کنترل می‌کند. در متون دینی و اسلامی نیز مفهوم انگیزش مورد توجه ویژه قرار گرفته است. مدل انگیزش با الهام از حدیث امام علی (علیه السلام) ارائه شده است. آنجا که امام می‌فرماید:

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ: گروهی خدا را از روی رغبت و میل (به بهشت) پرستش کردند، این عبادت تاجران است و عده‌ای از روی ترس او را پرستیدند و این عبادت بردگان است و جمعی دیگر خدا را برای شکر نعمت‌ها (و این که شایسته عبادت است) پرستیدند. این عبادت آزادگان است (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷).

امام علی (علیه السلام) نیت یا انگیزه را اساس عمل می‌داند: «النَّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ، الْأَعْمَالُ ثَمَارُ النِّيَّاتِ» (غررالحکم و درالکلم، حدیث ۴۰: ۶۷). از نظر امام علی (علیه السلام) انگیزش یکی از پایه‌های اصلی رفتار است که بدون آن، عملکرد افراد شکل نمی‌گیرد. البته در دیدگاه اسلامی بر بُعد مادی و بُعد معنوی انگیزش توجه شده است. توجه به آیات، احادیث و روایات و سایر منابع اسلامی نشان می‌دهد که از دیدگاه اسلام بُعد معنوی به‌عنوان ریشه و منشأ رفتار و راه کمال آدمی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. گویی که پیشرفت آدمی در معنویات، او را به کمال می‌رساند و درماندگی او در این امور، وی را ذلیل

و زمین‌گیر می‌سازد (بخشی، ۱۳۸۶: ۴۵). انگیزش در دیدگاه اسلامی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشد و کار بدون انگیزش در این دیدگاه، عامل فرسایش سرمایه انسانی و سازمان‌شمرده شده است (ترکزاده و زینعلی، ۱۳۹۱: ۱۱).

در این راستا می‌توان اشاره نمود که نهج البلاغه منبعی برای دستیابی به روش‌های مطمئن در شناخت مسائل روحی و روانی و چگونگی رفع آنهاست. تحقیق و بررسی در این کتاب ارزشمند و دیگر منابع دینی می‌تواند کمک شایانی برای آشنایی بیشتر با روان‌شناسی جدید در بهره‌گیری از آن به نفع زندگی انسان باشد تا راه چاره و درمان بسیاری از دردهای خود را از این کتاب روشن دریافت کند. با توجه به شناسایی و جمع‌آوری ترجمه و تفاسیری که تاکنون در زمینه نهج البلاغه صورت گرفته است به بررسی اهداف و شیوه‌های نهج البلاغه می‌پردازند. هنوز هم کمبودها و نیازهایی در زمینه‌های متعدد از جمله در زمینه روان‌شناسی در نهج البلاغه احساس می‌شود. مباحث مربوط به انگیزش در نهج البلاغه از جمله مباحثی است که نیاز به ترجمه و تفسیر دقیقی دارد تا تمام ابعاد و مفاهیم عمیق روانکاوای و رفتاری و تربیتی این کتاب کشف و شناسایی گردد. نظر به آنچه مطرح شد در این پژوهش با بهره‌گیری از آموزه‌ها، مفاهیم، اصول و روش‌های انگیزشی مستتر، در بیان حضرت امیر (علیه السلام) کاویده گردید، بدان امید که امکان توسعه چارچوب انگیزشی متناسب با تعالیم دینی و مذهبی با رویکردی اسلامی در کشور فراهم آید و هم مدیران بتوانند با انگیزش موثرتر سرمایه انسانی سازمان خود در جامعه اسلامی، سطح و کیفیت رفتار و عملکرد آنان را بهبود بخشند و از این مسیر سازمان‌های خود را به سمت بهره‌وری و تعالی بیشتر در زمینه‌های عملکردی و فرهنگی متناسب با فرهنگ بومی و اسلامی سوق دهند. و از آنجا که این کتاب یکی از منابع اصیل شیعه و رهنمودی جامع برای دستیابی به اهداف متعالی حیات انسان در جامعه بشری است، می‌توان از این مدل به عنوان الگویی عام و قابل انطباق با تمام سازمان‌های معاصر که به نوعی درگیر در مسائل انگیزشی سرمایه انسانی سازمان خود هستند، یاد کرد.

۲. پیشینه پژوهش

ترک زاده و همکاران (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان چارچوب انگیزش مبتنی بر مفاهیم قرآنی: به سوی توسعه یک دیدگاه اسلامی انجام دادند. یافته‌های حاصل از پژوهش آنها در قالب

پیام انگیزشی گردآوری شد که در نهایت در یک طبقه‌بندی و در سه حوزه جهت‌گیری، اصول و روش انگیزش در قالب مفهوم طبقه‌بندی شد.

بشیری (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان نظریه انگیزش در اندیشه دینی به ارائه رویکردی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای مطالعه انگیزش پرداخته است. به گونه‌ای که زمینه انگیزش بر مبنای اندیشه اسلامی را فراهم می‌نماید. مفاهیم اساسی به‌دست آمده از متون دینی، که نقش انگیزشی دارند عبارتند از: نیت، اراده، شوق، غرایز و شهوات. نتایج پژوهش نشان داد هر رفتاری که انسان انجام می‌دهد، مجموعه‌ای از عوامل به صورت چند وجهی در آن دخالت دارند. اما اینکه تأثیر کدام دسته از عوامل بیشتر است، بستگی دارد به این که فرد در کدام مرحله از تحول قرار دارد، ارضای کدام یک از نیازهای او در آن مرحله از تحول اولویت دارد، فرد از چه باورها و گرایش‌هایی برخوردار است و از کدام نظام ارزشی پیروی می‌کند، اهداف او چیست و بالاخره در چه شرایط و محیطی قرار گرفته است.

دکامی (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان نظریه انگیزش اخلاقی از دیدگاه ابونصر فارابی، ابوحامد غزالی و ملامهدی نراقی بیان می‌دارد که نظریه‌ها در خصوص انگیزش اخلاقی از تنوع زیادی برخوردارند؛ مانند نظریه‌های درون‌گرایانه و برون‌گرایانه، نظریه‌های شناخت‌گرایانه و ناشناخت‌گرایانه، نظریه‌های رفتارگرایانه و انسان‌گرایانه. دیدگاه ابونصر فارابی، ابوحامد غزالی و ملا مهدی نراقی در خصوص انگیزش اخلاقی، با برخی از این نظریه‌ها هماهنگ و با برخی از آنها در تعارض است. توجه هر سه اندیشمند به نقش اموری چون پاداش و تنبیه، سلسله مراتب نیازها و گرایش طبعی به اجتماع در انگیزش اخلاقی به ما اجازه می‌دهد که از جهاتی آنها را رفتارگرا، انسان‌گرا و اجتماع‌گرا بدانیم. عواملی که این اندیشمندان به عنوان عوامل انگیزش اخلاقی معرفی کرده‌اند فراوان‌اند؛ برخی از آنها مانند شناخت و طبیعت انسان، بین همه آنها مشترکند و برخی مانند موسیقی و هنر وجه اشتراک دو نفر از آنها (فارابی و غزالی) است و برخی دیگر مانند اورد، اذکار و طلسمات اختصاص به یکی از آنها (غزالی) دارد که در تحقیق به صورت تفصیلی به آنها پرداخته شده است.

(۲۰۱۶) Abdul cader & Anthony در پژوهشی تحت عنوان جهت مدل اسلامی انگیزش کاری قصد داشتند تا مدلی ترکیبی از انگیزش کاری از طریق رویکرد تفسیری متون مذهبی اسلامی (قرآن و سنت)، کارهای اسلامی کلاسیک و باستانی و تجزیه و تحلیل نظام‌مند

تحقیقات دانشگاهی غربی ارائه نمایند. انگیزش مطلوب (همت عالی) مفهومی مهم در روان‌شناسی اسلامی است. مدل‌های اسلامی فعلی بر تلفیق و ترکیب با نظریه‌های غربی متمرکز می‌شوند. انگیزش کاری اسلامی بر حالات نفس (خود): نفس مطمئنه (آرام)، نفس لوامه (ملاحت نفس) و نفس اماره (تمایل به شیطان) متمرکز می‌شود. توحید (یکتاپرستی) با میانجی‌گری خلوص و پیروی از سنت، ایمان را بر می‌انگیزد.

(۲۰۱۵) Amaliah, Aspiranti & Purnamasari در مطالعه‌ای تحت عنوان اثر ارزش‌های اسلامی در رضایت شغلی کارکنان به تجزیه و تحلیل تأثیر ارزش‌های مذهبی اسلامی بر رضایت شغلی در اندونزی پرداخته است. در این مطالعه ارزش‌های اسلامی دارای تأثیر مثبتی بر رضایت شغلی کارکنان بودند. همچنین آنان اشاره می‌نمایند که نوع نگاه به انسان در اسلام نگاهی چندجانبه و با هدف پرورش انسان کامل است که با رویکرد رایج در موضوعات سازمانی و رضایت شغلی افراد در سازمان‌ها تفاوت فاحشی دارد.

(۲۰۱۲) Hakim در مطالعه خود با عنوان کاربرد رهبری اسلامی و فرهنگ سازمانی اسلامی بر انگیزش کاری و عملکرد کارکنان بانک در اندونزی بیان می‌کنند که تفاوت در دیدگاه اسلامی و غیراسلامی در نوع نگاه به انگیزه‌های انسانی است، به طوری که در دیدگاه غربی مفهوم انگیزش با مفاهیم مادی، سرمایه‌داری و تحقق بخشیدن به اهداف سازمانی گره خورده است در حالی که در دیدگاه اسلامی عملکرد و نیروی محرک آن پیوسته به رضایت خداوند و در جهت کسب رضایت او انجام می‌گیرد و هدف رسیدن به قرب الهی در انجام فعالیت است.

با توجه به پیشینه پژوهشی و خلأ تحقیقاتی که در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر وجود دارد، این پژوهش با هدف واکاوی و تحلیل شبکه مضامین انگیزش سرمایه انسانی مبتنی بر حکمت‌های نهج البلاغه انجام گردید و بر این اساس، این سوال به ذهن متبادر می‌شود که آیا واکاوی و تحلیل شبکه مضامین انگیزش سرمایه انسانی بر اساس حکمت‌های نهج البلاغه تا چه حد می‌تواند در موفقیت سازمان‌های اسلامی سرلوحه و ملاک عمل مدیران قرار گیرد؟

۳. روش

در این پژوهش جهت شناسایی عوامل انگیزش سرمایه انسانی مبتنی بر نهج البلاغه از طرح کیفی و روش فرایند چرخه‌ای تحلیل (the cyclical process of analysis) (مشتمل بر

مراحل گردآوری داده‌ها (data gathering)، تقلیل احیاگرانه داده‌ها (data reduction)، سازماندهی و تحلیل اطلاعات (data analysis and organization) و تفسیر و نتیجه‌گیری (interpretation and conclusion) استفاده شد. قلمرو کاوش و گردآوری داده‌های این پژوهش کلیه حکمت‌ها و آموزه‌های نهج البلاغه است. در این قلمرو، مضمون‌های انگیزشی موجود مورد کاوش قرار گرفته است. اطلاعات حاصل بر اساس مراحل روش فرایند چرخه‌ای تحلیل، پردازش شده‌اند. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، تحلیل محتوا بوده است و در این راستا مضامین، تحلیل و استخراج دسته‌بندی شده‌اند. جهت اعتباریابی از دو تکنیک اعتبارپذیری و اعتماد پذیری استفاده گردیده است. در این راستا از روش‌های مرور متخصصان (peer review) و خودبازبینی محقق طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و بررسی چارچوب و محتوای آن از دیدگاه صاحب‌نظران استفاده شد (Lincoln & Guba, ۱۹۸۵).

۴. یافته‌ها

انتخاب، جستجو و گردآوری اطلاعات در نهج البلاغه به منظور واکاوی و شناسایی بر مبنای محتوای کلیه حکمت‌ها و آموزه‌های نهج البلاغه و پیام، مفهوم یا مضمون انگیزشی که در خود یا که به دنبال داشته‌اند، انجام گردیده است. اطلاعات در حالت اکتشافی (exploratory) و جهت‌مند (directed) گردآوری شده‌اند. بدین معنا که اطلاعات در گستره وسیعی گردآوری و هم‌زمان و به‌طور مستمر، دسته‌بندی و کاویده شده‌اند تا به اکتشاف (تشخیص و شناخت) جوانب مختلف مفهوم انگیزش و روابط تعاملی آنها منجر گردید. در ذیل جداول مربوط به مرحله گردآوری اطلاعات در قالب جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱- پیام‌ها و مضامین استخراج شده از حکمت‌ها در مرحله گردآوری اطلاعات

مضامین پایه	مصادیق/شاهد	شماره	عنوان
تقیه و خویشتن-داری	در فتنه‌ها، چونان شتر دو ساله باش، نه پشتی دارد که سواری دهد، و نه پستانی تا او را بدوشند.	۱	حکمت
نیازمندبودن	خل ننگ و ترس نقصان است. و تهیدستی مرد زیرک را در برهان کند می‌سازد، و انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است.	۳	حکمت

حکمت	۵	پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: ایمان هیچ بنده‌ای تکمیل نمی‌شود مگر این که قلب او در مسیر حق، استقامت داشته باشد و قلب او از استقامت محروم است تا زبانش در مسیر حق استوار گردد.	ایمان به خدا داشتن
حکمت	۵	ایمان در دل آدمی چون نقطه‌ای سفید پدید می‌شود و هر چه بر ایمان افزوده می‌شود آن نقطه هم فزونی گیرد..	خودکارآمدی
حکمت	۶	سؤال کردن، سرپوش عیب‌ها است و آن کس که از خود راضی باشد، دشمنانش زیاد خواهند شد.	نکوهش از خود راضی بودن
حکمت	۱۲	تواناترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است، و از او ناتوان‌تر آن که دوستان خود را از دست بدهد.	پرهیز از مجادله
حکمت	۱۳	چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسیاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید.	پرهیز از مجادله
حکمت	۱۹	آن کس که در پی آرزوی خویش تازد، مرگ او را از پای در آورد.	دوری از آرزوپروری
حکمت	۳۱	جهاد از پایه‌های ایمان، دارای چهار قسمت است: [...]. خداوند به خاطر او خشم کند و او را در روز قیامت خشنود خواهد ساخت.	جهاد در راه خدا
حکمت	۳۳	بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت گیر مباش.	توجه به حسابرسی الهی
حکمت	۳۴	و درود خدا بر او، فرمود: بهترین بی‌نیازی، ترک آرزوهاست.	ترک آرزوهای دنیوی
حکمت	۳۸	و گرامی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست.	اخلاق نیکو داشتن
حکمت	۳۸	و چهار چیز به خاطر بسیار (هشدارها)، که تا به آنها عمل می‌کنی زیان نبینی...	توجه به هشدارها و تذکرات
حکمت	۴۲	اما اجر و پاداش در برابر کاری است که بنده انجام می‌دهد	توجه به پاداش الهی
حکمت	۴۴	خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد، برای حسابرسی قیامت کار کند، با قناعت زندگی کند، و از خدا راضی باشد.	اعتقاد به حسابرسی الهی
حکمت	۵۹	آن که تو را هشدار داد، چون کسی است که مژده داد	توجه به هشدارها و تذکرات
حکمت	۶۶	از دست دادن حاجت بهتر از درخواست کردن از نا اهل است	توجه به حاجت‌ها و درخواست‌ها
حکمت	۶۸	و شکرگزاری زینت بی‌نیازی است.	شکرگذاری به درگاه خدا

حکمت	۷۸	خداوند سبحان بندگان خود را فرمان داد در حالی که اختیار دارند	اختیار و آزادی در امور
حکمت	۷۸	وای بر تو شاید قضاء لازم، و قدر حتمی را گمان کرده ای اگر چنین بود، پاداش و کیفر، بشارت و تهدید الهی، بیهوده بود خداوند سبحان بندگان خود را فرمان داد در حالی که اختیار دارند	سبحان بودن خداوند
حکمت	۸۱	ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست.	تعقل و دانایی
حکمت	۸۲	کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد	امیدواری الهی داشتن
حکمت	۸۷	در شگفتم از کسی که می تواند استغفار کند و ناامید است	استغفار و امید به رحمت الهی
حکمت	۸۸	و امان باقی مانده، استغفار کردن است، که خدای بزرگ به رسول خدا فرمود: «خدا آنان را عذاب نمی کند در حالی که تو در میان آنان، و عذابشان نمی کند تا آن هنگام که استغفار می کنند.	توبه و آموزش الهی
حکمت	۹۴	و بردباری تو بزرگ و گران مقدار باشد، و در پرستش پروردگار در میان مردم سر فراز باشی.	تقیه و خویششن- داری
حکمت	۹۴	پس اگر کار نیکی انجام دهی شکر خدا به جا آوری، و اگر بد کردی از خدا آمرزش خواهی.	توبه و آموزش الهی
حکمت	۹۴	و اگر بد کردی از خدا آمرزش خواهی.	توبه و آموزش الهی
حکمت	۹۵	هیچ کاری با تقوا اندک نیست، و چگونه اندک است آنچه که پذیرفته شود.	تقوای الهی داشتن
حکمت	۹۶	دوست محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند پیوند خویشاوندی او دور باشد، و دشمن محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که خدا را نافرمانی کند، هر چند خویشاوند نزدیک او باشد.	اطاعت و بندگی خدا
حکمت	۹۹	ما همه از آن خداییم» اقراری است به بندگی، و اینکه می گوئیم «بازگشت ما به سوی او است» اعترافی است به نابودی خویش.	رضای الهی
حکمت	۱۰۱	بر آوردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز، کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود، و شتاب در بر آوردن آن، تا گوارا باشد.	توجه به نیازهای مردم
حکمت	۱۰۸	پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند، و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباہ سازد، و اگر نومییدی بر آن چیره شود.	امیدواری و انگیزه داشتن

حکمت	۱۱۰	فرمان خدا را برپا ندارد مگر کسی که سازشکار (در دین خدا) نباشد و به تقلید عمل نکند و به دنبال طمع‌ها نرود.	پرهیز از حرص و طمع
حکمت	۱۱۳	هیچ ایمانی همانند حیا و صبر نیست.	ایمان به خدا داشتن
حکمت	۱۱۳	سرمایه‌ای از عقل سودمندتر نیست، [سرمايه‌ای از عقل سودمندتر نیست، ...]	تعقل و تدبیر در کارها
حکمت	۱۱۳	هیچ گوشه‌گیری و زهدی، همچون گوشه‌گیری و بی‌رغبتی نسبت به ارتکاب کار حرام نیست.	دوری از رغبت دنیوی
حکمت	۱۲۰	ما (بنی هاشم) در آنچه درایم بخشنده‌تریم و در پیکار جانبازتریم.	جهاد در راه خدا
حکمت	۱۲۱	چقدر فاصله بین دو عمل دور است: عملی که لذتش می‌رود و کیف آن می‌ماند، و عملی که رنج آن می‌گذرد و پاداش آن ماندگار است.	تخیر
حکمت	۱۲۵	اسلام را چنان وصف کنم که کس پیش از من نکرده است. اسلام گردن نهادن است و گردن نهادن یقین داشتن، و یقین داشتن راست انگاشتن، و راست انگاشتن بر خود لازم ساختن.	تایید و پذیرش
حکمت	۱۲۷	آن کس که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه گردد، و آن را که از مال و جانش بهره‌ای در راه خدا نباشد خدا را به او نیازی نیست.	توجه به حجت‌های الهی
حکمت	۱۳۰	شما را خبر می‌دادند که: بهترین توشه، تقوا است.	تقوی الهی داشتن
حکمت	۱۳۶	حج کردن جهاد هر ناتوان است و جهاد زن، خوش رفتار و اطاعت از شوهر است.	جهاد در راه خدا
حکمت	۱۳۸	آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است.	باور و تأیید کردن
حکمت	۱۴۶	و امواج بلا را با دعا از خود برانید.	دعا کردن به درگاه حق تعالی
حکمت	۱۴۶	ایمان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید، و امواج بلا را با دعا از خود برانید.	دعا کردن به درگاه حق تعالی
حکمت	۱۴۷	مردم سه دسته اند، دانشمند الهی، و آموزنده‌ای بر راه رستگاری، و پشه‌های دست‌خوش باد و طوفان و همیشه سرگردان، که به دنبال هر سر و صدایی می‌روند، و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند.	تحریک شدن
حکمت	۱۵۱	هر کس را پایانی است، تلخ یا شیرین.	آینده‌نگری و عاقبت‌اندیش بودن
حکمت	۱۶۵	هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی پروردگار روا	اطاعت و بندگی

		نیست.	خدا
حکمت	۱۷۵	هرگاه از کاری ترسیدی، خود را به کام آن ببنداز، زیرا ترس شدید از آن کار دشوارتر و زیانبارتر از اقدام به آن کار است	عزم و اراده داشتن
حکمت	۱۷۷	بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده.	تشویق کردن دیگران
حکمت	۱۷۷	بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده..	توجه به تنبیه و توبیخ خطاکار
حکمت	۱۸۰	طمع ورزیدن، خود باختن ابدی است.	پرهیز از حرص و طمع
حکمت	۱۸۱	حاصل کوتاهی، پشیمانی، و حاصل دوراندیشی، سلامت است.	دوراندیشی کردن
حکمت	۲۰۴	ناسپاسی مردم تو را از کار نیکو باز ندارد، زیرا هستند کسانی، بی آن که از تو سودی برند تو را می ستایند، چه بسا ستایش اندک آنان برای تو، سودمندتر از ناسپاسی ناسپاسان باشند. (و خداوند نیکوکاران را دوست دارد).	خداگرایی درعمل
حکمت	۲۱۱	بخشنندگی، نگاه دارنده آبروست، و شکیبایی دهان بن بی خردان، و عفو زکات پیروزی و مشورت چشم هدایت است. و آن کس [و...] به آن کس که به ستوه آمده و توان تحمل ندارد اعتماد نکن.	مشورت کردن با بزرگان و علما
حکمت	۲۱۱	مشورت عین به مقصود راه یافتن است و هر که خودسرانه کار کند دچار خطر شود.	مشورت کردن در امور
حکمت	۲۱۴	کسی که درخت شخصیت او نرم و بی عیب باشد، شاخ و برگش فراوان است.	فروتنی و نرم خویی
حکمت	۲۱۹	قربانگاه اندیشه ها، زیر برق آرزوهاست.	ترک آرزوهای دنیوی
حکمت	۲۲۰	داوری با گمان بر افراد مورد اطمینان، دور از عدالت است.	پرهیز از قضاوت ناعادلانه در امور
حکمت	۲۲۴	با بذل و بخشش، ارزش های انسانی بالا می رود	بذل و بخشش داشتن
حکمت	۲۲۸	و کسی که نزد توانگری رفته و به خاطر سرمایه اش برابر او فروتنی کند.	توانگری خداوند
حکمت	۲۳۷	گروهی خدا را به امید بخشش پرستش کردند [و...]. گروهی خدا را از روی سپاسگزاری پرستیدند و این پرستش آزادگان است.	بخشش به دیگران
حکمت	۲۳۷	مردمی خدا را به امید بخشش پرستیدند، این پرستش بزرگانان است، و گروهی او را از روی ترس عبادت	رغبت و میل

		کردند و این عبادت بردگان است، و گروهی وی را برای سپاس پرستیدند و این پرستش آزادگان است.	
حکمت	۲۴۱	خدا شکر گزاری را بر عهده شما نهاده، و امر حکومت را در دست شما گذارده... [و تاریکی های فراموشی که همتهای بلند را نابود کرده است.	تشویق به جهاد در راه خدا
حکمت	۲۴۶	از فرار نعمت‌ها بپرهیزید، زیرا هر گریخته ای باز نمی‌گردد.	توجه به هشدارها و تذکرات
حکمت	۲۴۸	آن که به تو گمان نیک برد با نیکویی در کار گمان وی را راست دار!	تأیید و پذیرش
حکمت	۲۴۸	چون کسی به تو گمان نیک برد، خوشبینی او را تصدیق کن.	خوش‌بینی در امور
حکمت	۲۵۲	خداوند ... جهاد را برای عزت بخشیدن به اسلام واجب فرمود.	جهاد در راه خدا
حکمت	۲۵۷	ای کمیل خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شب‌ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند.	رفع نیاز کردن
حکمت	۲۵۷	ای کمیل خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شب‌ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند.	شادکردن دیگران
حکمت	۲۵۷	هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند.	شادی و نشاط در کار داشتن
حکمت	۲۵۸	هرگاه بسیار تنگدست شدید، با دادن صدقه با خدا معامله کنید. (تا از فقر برهید).	صدقه دادن
حکمت	۲۶۱	اگر رعایای پیش از من از ستم حاکمان می‌نالیدند، امروز من از رعیت خود می‌نالیم، گویی من پیرو، و آنان حکمرانند، یا من محکوم و آنان فرمانروایانند.	پرهیز از سستی و تنبلی
حکمت	۲۷۲	اگر از این فتنه‌ها و لغزشگاه با قدرت بگذرم، دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آورم.	ستایش و ترغیب کردن
حکمت	۲۷۳	به یقین بدانید خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت‌کوشی و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در علم الهی وعده فرمود، قرار نخواهد داد.	توکل به خداکردن
حکمت	۲۷۶	خدایا به تو پناه می‌برم که ظاهر من در برابر دیده‌ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می‌دارم... [تا به بندگانت نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم.	پرهیز از نفاق و دورویی
حکمت	۲۷۶	خدایا به تو پناه می‌برم که ظاهر من در برابر دیده‌ها	پناه بردن به خدا

		نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می دارم.[...] تا به بندگانت نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم.	
توکل و پناه بردن به خدا	۲۷۶	خدایا به تو پناه می برم که ظاهر من در برابر دیده ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می دارم.	حکمت
کوچک شمردن مصائب	۲۹۱	سرت تو را شاد می داشت و برای تو بلا بود و آزمایش، و تو را اندوهگین ساخت و آن پاداش است و آمرزش.	حکمت
شکیبایی و استقامت	۲۹۲	همانا شکیبایی نیکوست جز در غم از دست دادنت، و بی تابی ناپسند است جز در اندوه مرگ تو، مصیبت تو بزرگ، و مصیبت های پیش از تو و پس از تو ناچیزند.	حکمت
عبرت آموزی و خودسازی	۲۹۷	چه فراوان است وسایل عبرت گرفتن و چه اندک است بهره برداری از این وسایل برای عبرت گیری.	حکمت
دعا و نیایش	۲۹۹	آنچه که بین من و خدا نارواست اگر انجام دهم و مهلت دو رکعت نماز داشته باشم که از خدا عافیت طلبم، مرا اندوهگین نخواهد ساخت.	حکمت
توجه به حسابرسی الهی	۳۰۰	آن چنانکه با فراوانی آنان روزیشان می دهد (و باز پرسیدند چگونه به حساب انسان ها رسیدگی می کند که او را نمی بینند فرمود) همان گونه که آنان را روزی می دهد و او را نمی بینند.	حکمت
ستودن خداوند	۳۲۸	همانا خدای سبحان روزی فقراء را در اموال سرمایه داران قرار داده است، پس فقری گرسنه نمی ماند جز به کامیابی توانگران، و خداوند از آنان در باره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید.	حکمت
بی نیازی	۳۲۹	و درود خدا بر او، فرمود: بی نیازی از عذر خواهی، گرامی تر از عذر راستین است.	حکمت
ستودن خداوند	۳۳۱	خدای سبحان طاعت را غنیمت زیرکان قرار داد آنگاه که مردم ناتوان، کوتاهی کنند.	حکمت
شادی و نشاط درکار داشتن	۳۳۳	شادی مؤمن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان است، سینه اش از هر چیزی فراخ تر، و نفس او از هر چیزی خوارتر است.	حکمت
فروتنی و نرم خویی	۳۳۳	از کسی درخواست ندارد و نرم خو و فروتن است، نفس او از سنگ خارا سخت تر اما در دینداری از بنده خوارتر است.	حکمت
پاکدامنی داشتن	۲۴۰	پاکدامنی زیور تهیدستی، و شکرگزاری زیور بی نیازی (ثروتمندی) است.	حکمت
شکرگذاری به درگاه خدا	۳۴۰	پاکدامنی زیور تهیدستی، و شکرگزاری زیور بی نیازی (ثروتمندی) است.	حکمت
امید و انگیزه	۳۴۲	بزرگ ترین توانگری، ناامیدی از آن چه در دست مردم	حکمت

		است می باشد.	داشتن
حکمت	۳۴۵	ناتوانی بر گناه مایه پاکدامنی است.	عقیف بودن
حکمت	۳۴۹	هر که عیب های مردم را دید و بر آن ها نپسندید، پس همان را بر خود پسندید بعینه احمق است	دوری ازخودپسندی
حکمت	۳۵۹	ای اسیران آرزوها، بس کنید زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها دندان حوادث روزگار به هراس افکند، ای مردم کار تربیت خود را خود بر عهده بگیرید، و نفس را از عادت هایی که به آن حرص دارد باز گردانید.	کنترل هوای نفس
حکمت	۳۶۱	هر گاه از خدای سبحان درخواستی داری، ابتدا بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرست، سپس حاجت خود را بخواه، زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده، یکی را برآورد و دیگری را باز دارد.	نیاز و درخواست کردن
حکمت	۳۶۴	از آنچه پدید نیامده نپرس، که آنچه پدید آمده برای سرگرمی تو کافی است.	توجه به حسابرسی الهی
حکمت	۳۶۵	عبرت گرفتن (از حوادث) ترساننده بسیار ناصحی است.	عبرت آموزی و خودسازی
حکمت	۳۶۶	و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد می ماند و گر نه کوچ می کند.	عمل گرایی داشتن
حکمت	۳۶۷	ای مردم، کالای دنیای حرام چون برگ های خشکیده و یا خیز است، پس از چراگاه آن دوری کنید، که دل کندن از آن لذت بخش تر از اطمینان داشتن به آن است.	پرهیز از دل بستگی به دنیا
حکمت	۳۶۷	مومن در این جهان (به همه چیز) با دیده عبرت نظر می کند.	عبرت آموزی و خودسازی
حکمت	۳۶۸	همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر نافرمانی قرار داد، تا بندگان را از عذابش برهاند، و به سوی بهشت کشاند.	تشویق و پاداش
حکمت	۳۶۸	همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر نافرمانی قرار داد، تا بندگان را از عذابش برهاند، و به سوی بهشت کشاند.	توجه به کیفر و پاداش الهی
حکمت	۳۶۹	که خدای بزرگ فرماید: «به خودم سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که انسان شکیبیا در آن سرگردان ماند» و چنین کرده است، و ما از خدا می خواهیم که از لغزش غفلت ها در گذرد.	عفو و گذشت داشتن
حکمت	۳۶۹	«به خودم سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که انسان شکیبیا در آن سرگردان ماند» .	نازل کردن از سوی خدا

تقوا و پرهیزگاری کردن	هیچ شرافتی برتر از اسلام، و هیچ عزتی گرامی تر از تقوا.	۳۷۱	حکمت
تمایل و شوق	و دوستی دنیا کلید دشواری است و بارگی گرفتاری، و آز و خودبینی و رشک موجب بی پروا افتادن است در گناهان، و درویشی فراهم کننده همه زشتی‌هاست.	۳۷۱	حکمت
دوری از رغبت دنیوی	در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است، و حرص ورزی و خود بزرگ بینی و حسادت، عامل بی پروایی در گناهان است، و بدی، جامع تمام عیب‌ها است.	۳۷۱	حکمت
دوری از کبر و غرور	حرص، کبر و حسد، انسان را به فرورفتن در گناهان فرا می‌خواند.	۳۷۱	حکمت
زهد و پارسایی داشتن	هیچ بازدارنده‌ای بهتر از پارسایی نیست.	۳۷۱	حکمت
حوایج و نیازها	ای جابر کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد.	۳۷۲	حکمت
تشویق کردن دیگران	برای تشویق مردم گفت من از علی علیه السلام «که خداوند درجاتش را در میان صالحان بالا برد، و ثواب شهیدان و صدیقان به او عطا فرماید».	۳۷۳	حکمت
توجه به امریه معروف و نهی از منکر	ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منکری باشد، و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است، و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد.	۳۷۳	حکمت
توجه به امریه معروف و نهی از منکر	همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کنند، و نه از مقدار روزی می‌کاهند، و از همه اینها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است.	۳۷۴	حکمت
توجه به امریه معروف و نهی از منکر	تمامی اعمال و کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره‌ای در مقابل یک دریای بزرگ و پهناور است.	۳۷۴	حکمت
توجه به امریه معروف و نهی از منکر	نیکوترین (امر به معروف و نهی از منکر) گفتن سخن حق نزد پیشوای ستمگر است.	۳۷۴	حکمت
جهاد در راه خدا	او لین چیزی که در جهاد از آن شکست می‌خورید، جهاد با دست هایتان است، بعد با زبان هایتان، سپس با دل هایتان، پس آن که با دلش خوبی‌ها را نشناسد و با بدی‌ها به مبارزه برنخیزد، قلبش واژگونه می‌شود، بالای آن پایین و پایین آن بالا می‌شود...	۳۷۵	حکمت
امیدواری به رحمت الهی	و بر بدترین افراد این امت از رحمت خدا نومید مباشید زیرا که خدای بزرگ فرمود. «همانا از رحمت خدا نومید نباشند جز کافران».	۳۷۷	حکمت

حکمت	۳۷۷	و برای بدترین فرد این امت از رحمت و مهربانی حق نومید مباش؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: تنها گروه کافران اند که رحمت حق ناامید می شوند.	امیدواری و انگیزه داشتن
حکمت	۳۷۷	بر بهترین افراد این امت از عذاب الهی ایمن مباشید زیرا که خدای بزرگ فرمود: «از کیفر خدا ایمن نیستند جز زیانکاران».	ترس از عذاب الهی
حکمت	۳۸۳	بترس که خداوند تو را به هنگام گناهان بنگرد، و در طاعت خویش نیابد، آن گاه از زیانکاری، هر گاه نیرومند شدی توانت را در طاعت پروردگار به کار گیر، و هر گاه ناتوان گشتی، ناتوانی را در نافرمانی خدا قرار ده.	طاعت و بندگی خدا
حکمت	۳۸۴	به دنیا آرامش یافتن در حالی که ناپایداری آن مشاهده می گردد، از نادانی است، و کوتاهی در اعمال نیکو با وجود یقین به پاداش آن، زیانکاری است، و قبل از آزمودن اشخاص، اطمینان پیدا کردن از عجز و ناتوانی است.	پرهیز از سستی و تبلی
حکمت	۳۸۶	جوینده چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید.	صبر و بردباری داشتن
حکمت	۳۸۷	و درود خدا بر او، فرمود: خیری که در پی آن آتش باشد، خیر نخواهد بود، و شری که در پی آن بهشت است شر نخواهد بود، و هر نعمتی بی بهشت ناچیز است، و هر بلائی بی جهنم، عاقبت است.	پرهیز از آتش الهی
حکمت	۳۸۸	آگاه باشید که فقر نوعی بلا است. و سخت تر از تنگدستی بیماری تن و سخت تر از بیماری تن، بیماری قلب است، آگاه باشید که همانا عامل تندرستی تن، تقوای دل است.	پرهیز از بخل و حسادت
حکمت	۳۸۸	آگاه باشید که همانا عامل تندرستی تن، تقوای دل است.	تقوا و پرهیزگاری کردن
حکمت	۳۸۸	پرهیزگاری دل از سلامتی بدن برتر است.	توجه به معنویت و سلامت روان
حکمت	۳۹۰	مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است.	تقسیم کارکردن
حکمت	۳۹۱	دل از دنیا بر کن، تا خداوند تو را به عیب‌ها و زشتی‌های آن بینا کند و غافل مباش؛ زیرا که خداوند از تو غافل نیست.	زهد و پارسایی داشتن
حکمت	۳۹۳	از دنیا آن مقدار که به تو می رسد، بردار، و از آنچه پشت کند، روی گردان، و اگر نتوانی، در جستجوی	تسلیم و رضا در برابر خدا

		دنیا نیکو تلاش کن. (و از خداوند اندازه آن در نگذر).	
حکمت	۳۹۸	تفاخر را کنار بگذار و تکبر را فرو ریز و به یاد قبرت باش.	پرهیز از تفاخر و تکبر بر
حکمت	۴۰۶	چه نیکو است فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشترنداری مستمندان برابر توانگران برای توکل به خداوند است.	تواضع و فروتنی داشتن
حکمت	۴۱۰	تقوا در رأس همه ارزش های اخلاقی است.	تقوای الهی داشتن
حکمت	۴۱۳	در مصیبت ها یا چون آزادگان باید شکبیا بود، و یا چون ابلهان خود را به فراموشی زد.	توجه به تغافل و چشم پوشی در امور
حکمت	۴۱۳	در مصیبت ها یا چون آزادگان باید شکبیا بود، و یا چون ابلهان خود را به فراموشی زد.	صبر و استقامت در امور
حکمت	۴۱۸	حلم و بردباری، قوم و عشیره است.	حلم و خویشترنداری
حکمت	۴۲۲	کار نیک به جا آورید، و آن را هر مقدار که باشد کوچک نشمارید، زیرا کوچک آن بزرگ، و اندک آن فراوان است، و کسی از شما نگوید که: دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است.	تقسیم کار کردن
حکمت	۴۲۴	بردباری پرده ای است پوشاننده، و عقل شمشیری است بر آن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان، و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش.	حلم و بردباری داشتن
حکمت	۴۲۵	خدا را بندگی است که برای سود رساندن به دیگران، نعمت های خاصی به آنان بخشیده. [آن نعمت ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد..]	پرهیز از بخل و حسادت
حکمت	۴۳۹	حقیقت زهد ترک تمام وابستگی های گذشته و آینده است.	زهد و پارسایی داشتن
حکمت	۴۴	چیز اندک که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از فراوانی است که رنج آور باشد.	اشتیاق و شادی در کار داشتن
حکمت	۴۵۴	فرزند آدم را با فخر فروشی چه کار او که در آغاز نطفه ای گنبدیده، و در پایان مرداری بد بو است، نه می تواند روزی خویشترنداری را فراهم کند، و نه مرگ را از خود دور نماید.	پرهیز از فخر فروشی و تکبر
حکمت	۴۵۶	آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلش واگذارد همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن ن فروشید.	پرهیز از دنیاپرستی
حکمت	۴۵۹	تقدیر الهی چنان بر محاسبات ما چیره شود که تدبیر، سبب آفت زدگی باشد.	تخیر

صبر و تحمل در امور	بردباری و درنگ هم آهنگند و نتیجه آن بلند همتی است.	۴۶۰	حکمت
جهاد در راه خدا	کسی که در راه خدا جهاد و شهید شود، اجرش بزرگ تر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت ورزد، انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان خدا شود.	۴۵۷	حکمت
پاکدامنی داشتن	پادشاه مجاهد شهید در راه خدا بیشتر نیست از پادشاه کسی که با تمام توش و توانش پاکدامن باشد؛ گویی که شخص پاکدامن فرشته ای از فرشتگان خدا است.	۴۷۶	حکمت

در ادامه ابتدا اطلاعات گردآوری شده از نظر محتوای انگیزشی مورد مطالعه دقیق قرار گرفت و جوانب اصلی شناسایی شدند. بدین معنا که نگارندگان مضمون‌های انگیزشی استخراج شده در مرحله قبل را بر اساس نوع مضمون مورد بررسی قرار داده است و مفاهیمی که با یکدیگر قرابت محتوایی داشته‌اند را شناسایی نموده است و سپس آنها را در یک طبقه (یا دسته) قرار دادند و بدین ترتیب تقلیل احیاگرایانه اطلاعات صورت گرفته است. بنابراین، تمامی پیام‌های انگیزشی استخراج شده از حکمت‌های نهج‌البلاغه در مرحله گردآوری اطلاعات، در جدول ۲، به ۱۰۳ مضمون پایه و ۳۵ مضمون سازمان دهنده انگیزشی در مرحله اول فرآیند تقلیل یافت.

جدول ۲- مضامین انگیزشی استخراج شده حکمت‌ها در مرحله تقلیل احیاگرایانه

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
رجا و امیدورای	آینده‌نگری و عاقبت اندیش بودن
	امیدواربودن
	امیدواری الهی داشتن
	امیدواری به رحمت الهی
	امیدواری و انگیزه داشتن
	آینده‌نگری
	تعقل و تدبیر در کارها
	دور اندیشی کردن
	دوری از یاس و ناامیدی
	رجا و دوری از یاس
توبه و استغفار	استغفار و امید به رحمت الهی
	توبه و آمرزش الهی
صبر و شکیبایی	پرهیز از قضاوت ناعادلانه در امور

	حلم و بردباری داشتن
	شکیبایی و استقامت
	صبر و استقامت در امور
	صبر و بردباری داشتن
	صبر و تحمل در امور
بصیرت و آگاهی	پرهیز از دلبستگی به دنیا
	ترک آرزوهای دنیوی
	تعقل و دانایی
	دوری از آرزو پروری
امر به معروف و نهی از منکر	توجه به امر به معروف و نهی از منکر
تقوای الهی	تقوا و پرهیزگاری کردن
	تقوای الهی داشتن
	تقوای الهی داشتن
	تقیه و خویشداری
پرهیز از تفاخر و تکبر	پرهیز از تفاخر و تکبر
	پرهیز از فخر فروشی و تکبر
	دوری از خودپسندی
	نکوهش از خودراضی بودن
تزکیه و تهذیب	پرهیز از بخل و حسادت
	پرهیز از تملق و چاپلوسی
	پرهیز از غیبت و عیب جویی
ایمان الهی	ایمان به خدا داشتن
	یقین و باور داشتن
	خودکارآمدی
عفو و اغماض	صدقه دادن
	بخشش به دیگران
	بذل و بخشش داشتن
	توجه به تعافل و چشم‌پوشی در امور
	عفو و گذشت داشتن
اعتدال و میانه روی	پرهیز از حرص و طمع

	پرهیز از افراط و تفریط
زهد و پارسایی	پرهیز از دنیاپرستی
	زهد و پارسایی داشتن
مشورت	مشورت کردن با بزرگان و علما
	مشورت کردن در امور
قناعت و رزی	تسلیم و رضا در برابر خدا
	رضای الهی
مسئولیت پذیری	پاسخگو بودن در امور محوله
	پاسخگویی به نیازمندان
	پاسخگویی در قبال گفتار خود
عفت و ورع	پاکدامنی داشتن
	جهاد در راه خدا
	عفیف بودن
توکل الهی	توکل به خدا کردن
	پناه بردن به خدا
خوف و خشیت الهی	عبرت آموزی و خودسازی
تشویق و تالیب	اشتیاق و شادی در کار داشتن
	پرهیز از سستی و تنبلی
	تشویق کردن دیگران
	تشویق و پاداش
	تقویت روحیه در امور
	تمایل و شوق
	توجه به معنویت و سلامت روان
تحمید	دعا کردن به درگاه حق تعالی
	دعا و نیایش
	شکر گذاری به درگاه خدا
محاسبه الهی	اعتقاد به حسابرسی الهی
	توجه به حسابرسی الهی
تبشیر	بشارت دادن
	مژده الهی
	توجه به کیفی و پاداش الهی
تخحیر	اختیار و آزادی در امور
	تخحیر

	تداوم عمل داشتن
خضوع و خشوع	اطاعت و بندگی خدا
	تسلیم الهی بودن
حسن خلق	اخلاق نیکو داشتن
	پرهیز از مجادله
	فروتنی و نرم خویی
تذییر	توجه به هشدارها و تذکرات
انسجام و وحدت	تقسیم کارکردن
جهاد الهی	تشویق به جهاد در راه خدا
	جهاد در راه خدا
تسبیح	سبحان بودن خداوند
	ستودن خداوند
تصدیق	باور و تأیید کردن
	تأیید و پذیرش
رغبت	دوری از رغبت دنیوی
	راغب بودن به آخرت
حاجت	توجه به حاجتها و درخواستها
	توجه به حجت های الهی
	توجه به نیازهای مردم
	حوائج و نیازها
سرور و نشاط	شادکردن دیگران
	شادی و نشاط در کار داشتن
تحریض	تشویق کردن دیگران
	ستایش و ترغیب کردن
استغنا	بی نیازی
	توانگری خداوند

تحلیل و دسته‌بندی اطلاعات بر مبنای قرابت محتوایی آنها یکی از روش‌های تحلیل مقوله‌ای است که در تحلیل محتوای داده‌های کیفی و پر بعد قابل کاربرد است (ترک زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱). منظور از قرابت محتوایی، نزدیکی مقوله‌ها از لحاظ مفهوم، همجنسی یا هم خانواده بودن آنها و یا قرار گرفتن آنها در یک مجموعه یا خط سیر مفهومی منطقی است. مبتنی بر ترکیب اطلاعات و شناخت حاصل از مراحل پیش (گردآوری اطلاعات و تقلیل احیاگرانه داده‌ها) و بازنمایی در زمینه موضوع انگیزش و استنتاج از آن،

سازماندهی و تحلیل اطلاعات کیفی گردآوری شده انجام گردید. منظور از سازماندهی اطلاعات، جمع‌بندی و طبقه‌بندی نهایی اطلاعات انگیزشی و ارائه نتایج به صورت سازمان یافته است. این مرحله در چهار گام جمع‌بندی اطلاعات معین حول موضوع انگیزش، طبقه‌بندی اطلاعات بر حسب عبارات معین‌تر، ارائه اطلاعات در قالب جدول و تحلیل اطلاعات انجام پذیرفت. شایان ذکر است که اطلاعات انگیزشی به دست آمده که در طبقات معین‌تر و مشخص‌تر جمع‌بندی گردید در یک طبقه‌بندی نهایی در چهار مضمون نهایی، تشویق و تألیب، ایمان الهی، تزکیه و تهذیب، خوف و رجا و ۳۲ مضمون سازمان دهنده (بدلیل قرابت محتوایی در مرحله سازمان‌دهی فرآیند چرخه تحلیل ۳ مضمون سازمان دهنده تقلیل پیدا کرد) در جدول ۳، ارائه شد.

جدول ۳- طبقه‌بندی نهایی عبارات انگیزشی و ارائه آن در مرحله سازماندهی و تحلیل اطلاعات

ردیف	سازماندهی مفاهیم انگیزشی	مضامین و مفاهیم استخراج شده
۱	تشویق و تألیب	تحریض-شوق و نشاط-حاجت-رغبت-تصدیق
۲	ایمان الهی	جهادالهی-تقوای الهی-زهد-قناعت-عفت و ورع-توکل الهی-محاسبه الهی-تصدیق-صبر و شکیبایی-تحمید-تسبیح-بصیرت
۳	تزکیه و تهذیب	پرهیز از تفاخر و تکبر-اعتدال و میانه روی-مشورت-مسئولیت پذیری-تخیر-خضوع و خشوع-حسن خلق-انسجام و وحدت-استغنا-امر به معروف و نهی از منکر
۴	خوف و رجا	رجا و امیدواری-خوف و خشیت الهی-تذیر-تیشیر-توبه و استغفار

۵. گریزی بر تعاریف احصایی از حکمت‌ها نهج البلاغه در خصوص مضامین انگیزش

۱.۵ ایمان الهی

در حکمت ۳۱ بدین گونه تعریف شده است و درود خدا بر او (از ایمان پرسیدند، جواب داد): ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد. صبر نیز بر چهار پایه قرار دارد. شوق، هراس، زهد و انتظار. آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد، و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند، و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده پندارد، و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد در نیکی‌ها

شتاب می‌کند. یقین نیز بر چهار پایه استوار است: بیش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پند گرفتن از حوادث روزگار، و پیمودن راه درست پیشینیان. پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگریست، حکمت را آشکارا بیند، و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت آموزی را شناسد، و آن که عبرت آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است. و عدل نیز بر چهار پایه بر قرار است: فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی. پس کسی که درست اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید، و کسی که شکیا شد در کارش زیاده روی نکرده با نیک‌نامی در میان مردم زندگی خواهد کرد. و جهاد نیز بر چهار پایه استوار است: امر به معروف، و نهی از منکر، راستگویی در هر حال، و دشمنی با فاسقان. پس هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است، و آن کس که از زشتی‌ها نهی کرد، بینی منافقان را به خاک مالید، و آن کس که در میدان نبرد صادقانه پایداری کند حقی را که بر گردن او بوده ادا کرده است، و کسی که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا خشم گیرد، خدا هم برای او خشم آورد، و روز قیامت او را خشنود سازد. و کفر بر چهار ستون پایدار است: کنجکاوی دروغین، ستیزه جویی و جدل، انحراف از حق، و دشمنی کردن. پس آن کس که دنبال توهّم و کنجکاوی دروغین رفت به حق نرسید. و آن کس که به ستیزه جویی و نزاع پرداخت از دیدن حق نا بینا شد، و آن کس که از راه حق منحرف گردید، نیکویی را زشت، و زشتی را نیکویی پنداشت و سر مست گمراهی‌ها گشت، و آن کس که دشمنی ورزید پیمودن راه حق بر او دشوار و کارش سخت، و نجات او از مشکلات دشوار است. و شک چهار بخش دارد: جدال در گفتار، ترسیدن، دو دل بودن، و تسلیم حوادث روزگار شدن. پس آن کس که جدال و نزاع را عادت خود قرار داد از تاریکی شبهات بیرون نخواهد آمد، و آن کس که از هر چیزی ترسید همواره در حال عقب نشینی است، و آن کس که در تردید و دو دلی باشد زیر پای شیطان کوبیده خواهد شد، و آن کس که تسلیم حوادث گردد و به تباهی دنیا و آخرت کردن نهد، و هر دو جهان را از کف خواهد داد.

۲.۵ تشویق و تألیب

امیرالمؤمنین علی (ع) در آموزه‌های نهج البلاغه از دو عامل تشویق و تنبیه برای هدایت مردم به راه حق، بهره جسته است. فی المثل در حکمت ۱۷۷ نهج البلاغه، اشاره به یکی از

طرق مؤثر بازدارنده نسبت به بدکاران می‌کند و می‌فرماید: «گنهکار را با پاداش دادن به نیکوکار (تنبیه کن و) از گناه بازدار»، (أَزْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ). در اینجا نیز به روشنی از بهره‌گیری از این روش حکایت می‌کند، البته هر یک از این سه روش مربوط به گروه خاصی است و همه این‌ها در همه موارد جواب نمی‌دهند. مدیران جامعه باید کاملاً بیدار باشند و افراد را به خوبی بشناسند و بدانند هر فردی یا هر گروهی را با کدام یک از این طرق باید از کار بد بازداشت، به یقین برای بازداشتن بدکاران از کار بد راه‌های مختلفی است که هر کدام از آنها برای بازداشتن گروهی از بدکاران مفید است. ایشان به عنوان حاکم جامعه‌ی اسلامی برای مدیریت درست اجتماعی، فرمانداران و استانداران شایسته را مورد تشویق قرار می‌داد و خطاکاران را توبیخ و تنبیه می‌کرد. افزون بر آن، حضرت علی (ع) به کارگزاران خود سفارش می‌کرد که از تشویق و تنبیه برای واداشتن زیردستان به کوشش اجتماعی بهره بگیرند. اینک به سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌پردازیم:

۱.۲.۵ تشویق خداوند برای بندگی

سبحانک، خالقاً و معبوداً، یحسُن بِلَائِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ خَلَقْتَ دَاراً، وَ جَعَلْتَ فِيهَا مَادِيَةً. مَشْرَباً وَ مَطْعَمًا وَ أَزْوَاجًا وَ خَدَمًا وَ قُصُورًا وَ أَنْهَارًا وَ زُرُوعًا وَ ثَمَارًا. ثُمَّ أَرْسَلْتَ دَاعِيًا يَدْعُوهُ إِلَىٰهَا فَلَا الدَّاعِيَ أَجَابُوا، وَ لَا فِيهَا رَغَبٌ إِلَيْهِ رَغَبُوا، وَ لَا إِلَىٰ مَا شَوَّقَتْ إِلَيْهِ اشْتَقَوْا (ای خدای سبحان که جهان را آفریدگاری و همگان را به حق سزاوار پرستشی، تو از سر آزمایشی زیبا با خلق خود، سرایی آفریدی و در آن خوانی گستردی با هر گونه خوردنی و آشامیدنی و انواع همسران، خدمت‌گزاران، کاخ‌ها، نهرها، کشت‌زاران و میوه‌ها. آنگاه دعوت‌گری ویژه فرستادی تا خلق تو را به آن میهمانی فراخواند، ولی بندگانت، به آن دعوت‌گر، پاسخ مثبت نگفتند و به آن چه تو ترغیب‌شان کردی، رغبت نشان ندادند و به سوی آن چه تشویق‌شان فرمودی، شوق ابراز نکردند) (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹: ۱۵۹).

۲.۲.۵ پی‌آمدهای تشویق الهی برای بندگان صالح خدا:

أَمَّا اللَّيْلُ فَضَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ. يُوتَلُونَ تَرْتِيلاً، يُحَزَّنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءً دَائِهِمْ. فَإِذَا مَرَوْا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا، وَ تَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا، وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نَصَبٌ أَعْيُنِهِمْ. (شَبَّ رَا بِرِ پَا مِ اِيسْتَنْدِ وَ بَخْشِ هَايِي اَز قُرْآنِ رَا چِنَان بَا تَرْتِيلِ تَلَاوْتِ مِ كَنْنَنْد كِه آتَشِ دَرُونِ رَا شَعْلَه‌وَرِ وَ دَاغِ فِرَاقِ رَا تَازِه مِ كَنْنَنْد وَ بَرِ اَنْدَوِه هِجْرَانِ

می‌افزایند و با آن، به درمان دردشان می‌کوشند. چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن، گونه‌ای تشویق است، چنان سرشار نیاز می‌شوند که جان‌هاشان از شوق سر بر می‌کشد و آن را فراروی خود می‌پندارند).

۳.۲.۵ تشویق هواداران اهل بیت پیامبر علیهم السلام:

وَجَزَاكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ أَحْسَنَ مَا يُجْزِي الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِهِ وَ الشَّاكِرِينَ لِنِعْمَتِهِ فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَأَطَعْتُمْ، وَ دُعِيتُمْ فَأَجَبْتُمْ. (از خداوند برای شما که از اهل بیت پیامبرتان پشتیبانی کردید، بهترین پاداشی را که به عمل‌کنندگان طاعتش و سپاس‌گزاران نعمتش عطا می‌کند، خواستارم؛ زیرا شما شنیدید و پیروی کردید؛ فراخوانده شدید و پذیرفتید) (بحارالانوار، ج ۳۲: ۸۴).

۴.۲.۵ تشویق نیکوکار، عامل بازدارنده‌ی تخلف:

«أزجوا المسمى ببنوآب المحسن» (با پاداش دادن به نیکوکار بدکار را از بدی بازدار). اگر از نیکوکاران قدردانی شود، خلاف کاران در خواهند یافت که میان دیگران جایگاهی ندارند. به ناچار، از رفتارهای بد خود دست خواهند برداشت. تشویق نیکوکاران سبب می‌شود تا خطاکاران احساس کمبود کنند و درصدد دست‌یابی به توجه دیگران و برخورداری از تشویق‌های مادی و معنوی آنان برآیند.

۳.۵ تزکیه و تهذیب

در حکمت ۷۳ ایشان اشاره فرمودند که: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد، همچنین در حکمت ۸۹ نیز کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.

امیرالمومنین (ع) ضمن تصریح به اولویت خودسازی بر اثرگذاری اخلاق عملی تأکید دارند. مکتب ایشان مکتبی عملی است که ایشان آن را در تمام ادوار حیات طیبه خویش

متجلی ساخته است. از منظر ایشان عمده آن است که انسان اصلاح را از درون خود آغاز کند. هر کس از چهار دیواری نفس خود خارج شود در حقیقت مهاجر الی الله است. حرکت انسان در جهت خودسازی بهترین و ثمربخش‌ترین حرکتی است که در طول عمر خود انجام می‌دهد. خودسازی سبب می‌شود که انسان در درون خود به تعادل برسد قوای نفسانی خود را تعدیل کند و خویش را از بند دلبستگی‌ها و اسارت دشمنان گوناگون داخلی (نفس اماره) و خارجی (شیطان) برهاند و به اختیار خود به آزادی برسد و مالک نفس خود شود. یکی از دلایل اصلی ضرورت بعثت انبیاء سامان دادن به نابسامانی‌های اخلاقی انسان‌هاست و اگر تغییر اخلاق امکان‌پذیر نبود، بعثت انبیا نیز عبث و بیهوده بود. البته تهذیب نفس و خودسازی ماهیتی تدریجی و زمان‌دار است و با تمرین و ممارست شکل می‌گیرد و فضایل اخلاقی زمانی تحقق می‌یابد که به صورت ملکه در آید.

۴.۵ خوف و رجاء

در حکمت ۳۷۷ اشاره فرمودند: «لا تاءمنن علی خیر هذه الامه عذاب الله؛ لقوله تعالی: (فلا یاءمن مکر الله الا القوم الخاسرون) و لا تبأسن لشر هذه الامه من روح الله؛ لقوله تعالی: (انه لا یبأس من روح الله الا القوم الکافرون)». همچنین در حکمت ۹۰ نیز فرمودند که: «الفقیه کل فقیه من لم یقنط الناس من رحمه الله، و لم یؤیسهم من روح الله، و لم یؤمنهم من مکر الله». (فقیه واجد شرایط کسی است که مردم را از رحمت حق نومید نگرداند و از لطف و مهر خدا و از آسایشی که برای آنها قرار داده است مأیوسشان نسازد و نیز آنها را از عذاب ناگهانی خدا ایمن نکند). در حکمت ۹۰ نیز در خصوص نومیدی از رحمت الهی فرمودند:

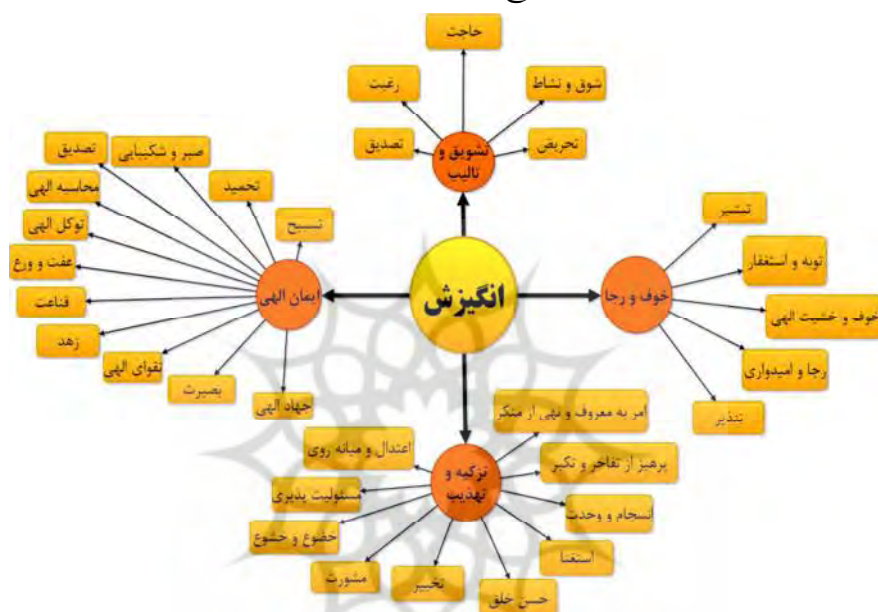
اللهم! قد انصاحت جبالنا... ندعوک حین قنط الانام، و منع الغمام، فانک تنزل الغیث من بعد ما قنطوا، و تشر رحمتک و اءنت الولی الحمید. (خداوند! نباتات کوه‌های ما از خشکسالی افسردند، (آفریدگارا!) تو را می‌خوانیم در موقعی که نومیدی مردم را در خود فرو برده و ابرها از باریدن ممنوع گشته؛ زیرا تویی که باران را پس از آن که مردم در نومیدی فرو رفته نازل نموده و رحمت را بر آنان می‌گسترانی و تویی ولی نعمت‌ها و ستوده در همه صفات و احوال).

۶. نتیجه گیری

سرمایه انسانی یکی از مهمترین دارایی‌های هر سازمان محسوب می‌شود که موجبات پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی هر سازمان و به تبع آن جامعه را فراهم می‌آورد. در مکتب اسلام انگیزش، ماهیت و پویایی‌های آن مورد توجه بوده و هست. انگیزش در دیدگاه اسلامی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است و کار بدون انگیزش، عامل فرسایش سرمایه انسانی و سازمان شمرده می‌شود (رضائیان، ۱۳۸۰، ج ۱/ ص ۳۶). در رویکرد اسلامی به منظور ارائه راه‌های صحیح و مشروع نیل به اهداف والای انسانی و اجتماعی اسلامی به ابعاد وجودی مختلف انسان و از جمله انگیزش و البته راه‌های صحیح آن پرداخته شده است. راه‌هایی که با فطرت سلیم بشری سازگار بوده و در نهایت کارگزاران نظام اسلامی را در راستای به کارگیری هرچه بیشتر توانایی‌های خود در جهت سازندگی آن نظام یاری می‌بخشد (صباغیان، ۱۳۸۵، ص ۸۰). از این رو توجه بیشتر به توسعه مفاهیم و روش‌های اسلامی انگیزش، ضرورت و اهمیت می‌یابد. با این وجود می‌توان گفت تلاش‌های گسترده و درخوری برای شناسایی و توسعه نظام‌های انگیزشی اسلامی در تئوری و عمل نشده است. در اندک تلاش‌های به‌عمل آمده برخی روش‌های انگیزش سرمایه انسانی مسلمان مشتمل بر باورهای دینی، به کارگیری افراد بر اساس لیاقت و شایستگی، مشورت، برخورد عادلانه، تأمین مطلوب نیازهای معیشتی، تشویق و تنبیه، تشریح و انذار، شناسایی و بیان شده است.

در این پژوهش مطابق با یافته‌های حاصل در مرحله اول در قالب ۱۰۳ مضمون انگیزشی در حکمت‌ها گردآوری شد که در نهایت در یک طبقه‌بندی و در چهار مضمون مشخص و سازماندهی گردید. با این تعبیر می‌توان نتیجه گرفت، انگیزش نیرویی است که برگرفته از ایمان الهی، تشویق و تألیب، تزکیه و تهذیب، خوف و رجا می‌باشد و انسان را برای ارضای نیازها، برآورده شدن خواسته‌ها و ایجاد گرایش‌هایی که تعیین کننده رفتار هستند سوق می‌دهد و با به کارگیری توانایی‌های فکری، خلاقیت، تجربه و جهان‌بینی با توجه به عوامل بوم شناختی و محیطی، همراه با طرح‌ریزی‌های عقلایی که یکی از مهمترین ابعاد وجودی آدمی به‌شمار می‌آید، زمینه را برای حرکت به سمت محقق ساختن اهداف و مطلوبیت‌های فردی و سازمانی با نگاه اسلامی فراهم می‌سازد. و از آنجا که این کتاب یکی از منابع اصیل شیعه و رهنمودی جامع برای دستیابی به اهداف متعالی حیات انسان در جامعه بشری است،

می‌توان از این مدل به عنوان الگویی عام و قابل انطباق با تمام سازمان‌های معاصر که به نوعی درگیر در مسائل انگیزشی سرمایه انسانی سازمان خود هستند، یاد کرد. با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش (جدول ۳)، اطلاعات انگیزشی به دست آمده در طبقات معین‌تر و مشخص‌تر جمع‌بندی گردید و بدین ترتیب یک شبکه مضامین انگیزشی در ۴ بعد به وجود آمد که نتایج در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱- شبکه مضامین انگیزش براساس حکمت‌های نهج‌البلاغه

باید اذعان نمود که واکاوی و تحلیل شبکه مضامین براساس دیدگاه امام علی (ع) به خودی خود هدف نبوده، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تحقق مبانی اسلامی در ساخت سازمانی و سوق دادن سازمان و نهایتاً جامعه به سمت برنامه زندگی مفهومی و عملیاتی در جامعه متلاطم امروزی و چنگ زدن به ریسمان الهی برای دستیابی به هدف غائی و برتر انسان‌هاست. لذا با بهره‌گیری از این الگوی مفهومی، می‌توان رویکرد جدیدی به انگیزش و راه‌های تایجاد آن در سازمان‌ها ارائه نمود و از این منظر، سلامت فردی و سازمانی را برای کارمندان سازمان به ارمغان آورده و با جهت‌دهی به تمرکز فکری آنان، ایمان، احساس، اخلاق و دانش را برای دستیابی به اثربخشی و بهره‌وری سازمانی به بار آورد.

در مجموع، پیشنهاد می‌شود شبکه مضمون مستخرج شده از این پژوهش، در پژوهش‌های آتی با روش‌های کمی اعتباریابی و ارزیابی شود و نیز مفاهیم انگیزشی استخراج شده از حکمت‌های نهج البلاغه، توسط مدیران عملی و در جهت ارتقاء انگیزش سرمایه انسانی در اختیارشان بکارگیری شود و کفایت و عمل‌پذیری آن در این راستا در مقایسه با سایر روش‌های انگیزشی مرسوم مقایسه شود.

کتاب‌نامه

- نهج البلاغه (۱۳۸۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشهور، چاپ چهارم.
- بخشی، علی اکبر (۱۳۷۷)، *مبانی انگیزش در اسلام*، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت اسلامی، تهران، ایران.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، *نظریه انگیزش در اندیشه دینی، فصلنامه روانشناسی و دین*، شماره دوم، صص ۶۰-۳۹.
- ترک زاده، جعفر و زینعلی، فاطمه (۱۳۹۱)، *بررسی مقایسه‌ای رویکرد غربی و اسلامی به انگیزش: به سوی توسعه دانش بومی*. مجله اسلام و مدیریت، شماره ۲، صص ۳۰-۷.
- ترک زاده، جعفر، محمدی، مهدی، ساجدی، علی محمد و اسماعیلی، عبدالحمید (۱۳۹۸)، *چارچوب انگیزش مبتنی بر مفاهیم قرآنی: به سوی توسعه یک دیدگاه اسلامی*. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۴۴-۱۵.
- دکامی، محمد جواد (۱۳۹۴)، *نظریه انگیزش اخلاقی از دیدگاه ابونصر فارابی، ابوحماد غزالی و ملا مهدی نراقی*، پایان نامه دکترا، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی. قم.
- ذوالریاستین، محمد علی و ایرانبان، سید جواد (۱۳۹۸)، *مدل علی خودکارآمدی، تعهد سازمانی و خشنود شغلی با انگیزش شغلی کارکنان*. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۱۶-۱.
- رضائیان، علی (۱۳۸۹). *اصول مدیریت*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- صباغیان، علی (۱۳۸۵)، *بررسی کارایی و اثربخشی با تکیه بر عوامل انگیزشی از دیدگاه اسلام*، *مجله بصیرت، سال دهم*، شماره‌های ۲۸، ۲۹، صص ۹۳-۷۷.

\Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions. *Contemporary Educational Psychology*, vol 25, issue 1, pp 54-67.

Abdulcader, A., & Anthony, P. J. (2014). Motivational issues of faculty in Saudi Arabia. *Higher Learning Research Communications*, vol 4, issue 4, pp 87-84.

- Amaliah, I., Aspiranti, T., & Purnamasari, P. (2015). The Impact of the Values of Islamic Religiosity to Islamic Job Satisfaction in Tasikmalaya West Java, Indonesia, Industrial Centre. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, issue 11, pp 984-991.
- Chang, W.-c; Wu, C.-h; Weng, L.-c. (2019). The Effect of Perceived Organizational Support on Work Engagement and Performance: A Study of International Assignees. *Paper presented at the Cross-Cultural Business Conference*. pp 313-321.
- George, J. M. & Jones, G. R. (2012). *Understanding and Managing Organizational Behavior*. 6th edition. Reading, MA: Prentice Hall.
- Hakim, A. (2012). The Implementation of Islamic Leadership and Islamic Organizational Culture and Its Influence on Islamic Working Motivation and Islamic Performance PT Bank Mu. *Asia Pacific Management Review*, vol 17, issue 1, pp 77-90
- Hayashi, A. M. (2007). What's the best way to pay employees?. *MIT Sloan Management Review*, vol 48, issue 2, pp 8-9.
- Huang, A; Yang, L; Li, Z. (2018). The Impact Study of Job Insecurity on Employees' Creativity. *The International Entrepreneurship: Trends, Challenges, Achievements*, pp228.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications, Inc.
- Manroop, L., & Richardson, J. (2015). Job Search: A Multidisciplinary Review and Research Agenda. *International Journal of Management Reviews*, pp1-22.
- Shepherd, D. A; McMullen, J. S; Ocasio, W. (2016). Is that an opportunity? An attention model of top managers' opportunity beliefs for strategic action. *Strategic Management Journal*, vol 38, issue 3, pp 626-644.
- Wen, J; Huang, S. S; Hou, P. (2019). Emotional intelligence, emotional labor, perceived organizational support, and job satisfaction: A moderated mediation model. *International Journal of Hospitality Management*, vol 4, issue 81, pp 120-130.